

## مقدمه

برای مردمی که در روزگار قبل از اختراع خط زندگی می‌کردند آموزش و پرورش، به عنوان یک نهاد اجتماعی تخصصی، از بقیه زندگی جدا نشده بود و شامل تقلید روزبه‌روز از سالخورده‌گان، آشنایی با فنون لازم، اسطوره‌ها و آگاهیهای عمومی می‌شد. در حالت عمومی‌تر، اکثر مردم آموختنیها را از والدین خویش فرا می‌گرفتند (محسنی؛ مقدمات جامعه‌شناسی؛ ص ۴۳۶). لذا نیازی به تأسیس و استقرار نهاد اجتماعی مستقل برای آموزش و پرورش احساس نمی‌کردند. اما در اواخر قرن نوزدهم و با شکل‌گیری و تقویت اندیشه آموزش همگانی، آموزش در قالب نهاد اجتماعی تخصصی تجلی یافت. بدین ترتیب کارکردهای مختلف آموزش و پرورش در همه‌جا به صورت تداوم فرهنگ، انتقال اندیشه‌ها از نسلی به نسل دیگر، و پرورش نیروهای جدید برای پذیرش نقشهای فعال، پذیرفته شد.

نقش و اهمیت روزافزون آموزش و پرورش از یک طرف و ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی آموزش و پرورش از طرف دیگر، توجه علم جامعه‌شناسی را به این نهاد مهم اجتماعی جلب کرد. در اوایل قرن بیستم، نهاد آموزش و پرورش تحت عنوان جامعه‌شناسی پرورشی مورد مذاقه اندیشمندان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی قرار گرفت و بتدریج با فاصله گرفتن از جنبه‌های ارزشی و اخلاقی، الزامات جامعه‌شناختی در آن بیشتر رعایت شد. بدین ترتیب، با تأکید بر جنبه‌های عینی و تجربی، مسیر علمی‌تری را در پیش گرفت که نهایتاً با نام «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» هویت خود را تثبیت نمود. به گونه‌ای که امروزه، حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های تخصصی در

جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. علاوه بر این، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پا را از عرصه آموزش و پرورش مدرسه‌ای فراتر نهاده و در بسیاری از عرصه‌های غیر رسمی آموزش حضور برجسته و چشمگیری دارد. گرچه ممکن است تجربه حضور در مدرسه برای بسیاری از مردم جوامع مدرن تجربه‌ای مشترک و جهانی باشد، آن روی سکه نشان می‌دهد که برای تبیین مسائل آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش کاربردهای غالب و متمایزی دارد.

جایگاه برجسته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش از حیث غنای نظری و روش‌شناسی نیز قابل توجه است و این شاید دلیل دیگر موقعیت ممتاز جامعه‌شناسی آموزش در عصر معاصر باشد. در واقع، جامعه‌شناسان آموزش و پرورش در زمینه توسعه قلمروهای نظری و روش‌شناسی جامعه‌شناسی همواره پیشتاز بوده‌اند. شاید به همین دلیل است که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش - که در اوایل قرن بیستم در حاشیه قرار داشت - اکنون کانون توجهات جامعه‌شناسی است. در هر صورت، مجموعه عوامل فوق و سایر متغیرها شرایطی ایجاد کرده است که همه جوامع امروزی را ناگزیر از توجه به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش نموده است؛ قاعده‌ای که جامعه فعلی ما نیز از آن مستثنا نیست. به عبارت دیگر، برای تبیین جامعه‌شناختی وضعیت آموزش و پرورش ایران باید به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش دست یازیم. در تبیین‌های جامعه‌شناختی، تأکید بر عوامل اجتماعی است، نه عوامل زیستی، روان‌شناختی و نظایر آن. بعلاوه، عوامل اجتماعی مورد نظر جامعه‌شناسان عواملی است که با ساختارها و فرایندهای اجتماعی ارتباط مستقیم دارد.

هدف اصلی کتاب حاضر، بررسی و مطالعه مسائل آموزش و پرورش از دیدگاه جامعه‌شناسی است. بدین منظور، مباحث کتاب به گونه‌ای تنظیم شده است که جنبه آموزشی آن بر سایر جنبه‌های تألیفی غالب بوده و بتواند پوشش مناسبی از موضوعات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را، که در عرصه جهانی مطرح است، برای مخاطبان فارسی‌زبان فراهم نماید. به دنبال رعایت نظم

سلسله مراتبی موضوعات، کتاب به نه فصل تقسیم شده است.

فصل اول، تحت عنوان کلیات، به پیدایش و رشد جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌پردازد. امروز این اصل در علوم مورد پذیرش همگانی است که بدون اطلاع از گذشته‌های دور و نزدیک یک علم، نمی‌توان آن را بدرستی شناخت. به همین دلیل، شناخت مناسب‌تر از جامعه‌شناسی آموزش و پرورش با کنکاش در زوایای تاریخی آن میسر خواهد شد. در این فصل پس از تعریف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، قلمروهای این حوزه مشخص گردیده است. فصل دوم، تحت عنوان نظریه‌های کلاسیک در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، به بررسی برخی از نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی درباره آموزش و پرورش پرداخته است. در همین راستا نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک، نظیر دورکیم، وبر و مارکس، تشریح شده است. در فصل سوم، تحت عنوان نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، برخی از نظریات جدید جامعه‌شناسی در حوزه آموزش و پرورش تشریح شده است. تأکید اصلی این فصل بر تشریح نظریه‌ها باز تولید بوده است. در این فصل، این نظریات علاوه بر معرفی، مورد نقد نیز قرار گرفته است. فصل چهارم، به معرفی روشهای تحقیق در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش اختصاص دارد. در این فصل ضمن تشریح پارادایمهای عمده، به معرفی روشهای تحقیق کمی و کیفی در حوزه آموزش و پرورش پرداخته است. فصل پنجم، تحت عنوان سازمان اجتماعی مدرسه، پس از تعریف سازمان و تقسیم‌بندی سازمانها، به بررسی مدرسه به عنوان سازمانی اجتماعی پرداخته و ویژگیهای سازمانی خاص مدرسه را روشن ساخته است. فصل ششم، تحت عنوان فرایندهای مربوط به مدرسه، به بررسی مهمترین فرایندهای اجتماعی در چهارچوب مدرسه پرداخته است. فرایندهای مورد بررسی عبارتند از: عملکرد تحصیلی، پیامدهای هنجاری حضور در مدرسه، برنامه درسی پنهان و فرایند قشربندی. فصل هفتم، تحت عنوان خانواده و مدرسه، به بررسی نقشهای مکمل این دو نهاد پرداخته و ویژگیهای ساختاری آنها را با یکدیگر مقایسه نموده است. در این راستا، رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و

عملکرد تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته و نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تشریح گردیده است. در فصل هشتم، تحت عنوان معلم و مدرسه، ابتدا در مورد کاربرد یافته‌های روانشناسی اجتماعی در فعالیتهای آموزشی بحث و سپس دیدگاههای جامعه‌شناسی در مورد نقش معلم در جامعه معرفی شده است. در فصل نهم، تحت عنوان آموزش و پرورش و جامعه‌پذیری سیاسی، رابطه آموزش و پرورش با توسعه سیاسی بررسی شده است. بدین منظور، ابتدا مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی تعریف شده، سپس الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی ارائه گردیده است. در ادامه، بر نقش خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و دوستان، به عنوان عوامل جامعه‌پذیری سیاسی، تأکید شده است.

تدوین و تألیف کتاب حاضر، مانند هر اثر علمی دیگر، مرهون تلاش و راهنماییهای چند بزرگوار است که در این میان، نقش و سهم دو تن از استادان بزرگ در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم تربیتی بسیار متمایز است. دکتر لارنس ساها، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ملی استرالیا، نقش مهمی در تدوین کتاب حاضر داشته است. ایده اولیه تألیف کتاب حاضر مرهون تشویق و کمکهای فراوان ایشان است که با انتشار کتاب ارزشمند *دائرة المعارف بین‌المللی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، انگیزه اصلی تدوین کتاب حاضر را فراهم آورد.

دکتر علی محمد کاردان، استاد برجسته دانشگاه تهران، نیز با مطالعه دقیق کتاب و ارائه پیشنهادهاى سودمند و نظارت علمی‌شان از سوی سازمان سمت، نقش مهمی در بهبود کیفیت کتاب ایفا کردند. بهره‌گیری از نظرهای این استادان سبب شده است که اولاً کتاب جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پوشش قابل قبولی از موضوعات مطرح در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ارائه دهد، و ثانیاً تجربیات ملی را با تجربیات جهانی پیوند دهد.

بی‌تردید، آموزش و پرورش و مسائل و موضوعات آن گسترده‌تر از آن است که در محدوده یک یا چند رشته تخصصی علمی قرار گیرد. در واقع، علوم مختلف به مسأله آموزش و پرورش می‌پردازند ولی مجموعه مباحث مطرح شده در کتاب

حاضر بیش از همه در دو حوزه جامعه‌شناسی و علوم تربیتی قرار می‌گیرد. در واقع، تدریس و آموزش این مباحث در مراکز آموزش عالی و دانشگاهها، هم در گروههای آموزشی جامعه‌شناسی و هم در گروههای آموزشی علوم تربیتی صورت می‌پذیرد. این وضعیت، مبین موقعیت مخاطبان بالقوه کتاب حاضر است.

کتاب حاضر نخست برای استفاده محققان و دانشجویان علوم تربیتی و علوم اجتماعی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع درس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تدوین شده است. لذا این دو گروه، مخاطبان اصلی اثر حاضرند. دسته دوم مخاطبان کتاب حاضر سیاستگذاران و برنامه‌ریزان مسائل آموزش و پرورش هستند که می‌توانند با گسترش و تقویت دانش و آگاهی از مباحث علمی و یافته‌های پژوهش، تصمیمات آگاهانه‌تر و علمی‌تری در حوزه عمل اتخاذ نمایند.

به زعم مؤلف، پرداختن به مسائل خاص جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران مجال و شرایط دیگری می‌طلبد. شرایطی که در آن ابتدا باید مفاهیم و دیدگاههای تثبیت شده جامعه‌شناسانه در حوزه آموزش و پرورش مطرح و معرفی شود و امکان بررسی علمی مسائل در کانون توجهات اصحاب نظر و عمل قرار گیرد. پس از آن می‌توان با استفاده از جامعه‌شناسی به تحلیل وضعیت آموزش و پرورش ایران به صورت خاص پرداخت. امید است کتاب حاضر بتواند چنین نقشی را ایفا کند و زمینه‌ای را فراهم سازد تا در گام بعدی با آگاهی فزونتر و غنی‌تر از مباحث نظری و روش‌شناختی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مسائل خاص آموزش و پرورش ایران مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار گیرد.

دکتر محمود شارع‌پور

بهار ۱۳۸۳